

هووو... لولوو... کاست!

گزارشی از برگزاری نمایشگاه کاریکاتور هولوکاست در گفت و گو با سید مسعود شجاعی، رئیس خانه کاریکاتور ایران

مصطفی حریری

گذاشت و هرچند تمام این طرفه‌ها با حرکت یکپارچه جهان اسلام نتیجه عکس داده بود، اما زمانش رسیده بود که طراحان این ماجرا طوفان بادهایی را که کاشته‌اند درو کنند.

هولوکاست یا همان افسانه یهودی سوزی که طبق آن آلمان نازی در طی سالهای جنگ با حرکتی از پیش طراحی شده اقدام به قتل عام ۶ میلیون یهودی کرده است بانه اصلی برای تشکیل دولت اسرائیل بود و اساساً دولت جعلی صهیونیستی پشت این نقاب شهیدنمایی قد علم کرده بود. هولوکاست ماجرابی ساخته دست باند رسانه‌های صهیونیستی است و به همان نسبت که فقر سند برای اثباتش وجود دارد اسناد متفن علمی در رد آن وجود دارد.

هولوکاست که افسانه کشته‌شدگان یهودی در یک قتل عام سازمان یافته بوسیله آلمان نازی است تاکید دارد که در جریان جنگ جهانی دوم یهودی‌ها بیش از مجموع جمعیتشان تلفات داشته‌اند! بگذریم از اینکه هولوکاست یا به قولی صنعت پولساز هولوکاست سالها بانه تلکه ملت‌های جهان به روش‌های مختلف شده است. این در حالی است که حتی شک به وجود هولوکاست عواقب ناخوشایندی را از نظر قانونی در غرب با خود به همراه دارد. با این همه بود و نبود هولوکاست ربط زیادی به موضوع مسابقه نداشت. در واقع مسابقه هولوکاست مسابقه‌ای بین پاسخ‌های تصویری به سه سوال زیر بود:

۱- چرا وقتی نقد هولوکاست مطرح می‌شود آزادی بیسان در غرب به فراموشی سپرده می‌شود؟

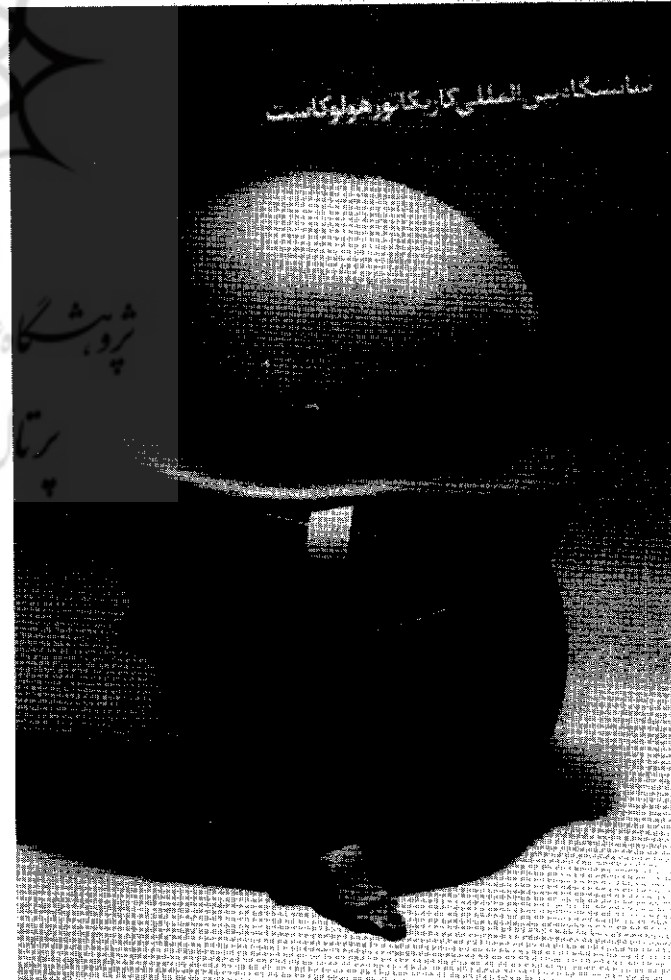
۲- چرا ناروان هولوکاست را، به فرض وقوع، باید فلسطینیان و مسلمانان که هیچ نقشی در

انگار در بین هنرمندان انقلاب اسلامی آنهایی که از همه جدی‌تر نگاه جهانی دارند، کاریکاتوریست‌های ما هستند! هنرمندانی که امروز از برزیل تا استرالیا یارگیری کرده و در چین و کانادا هم مخاطب پیدا کرده‌اند. از اولین ساعات برگزاری نمایشگاه اینترنتی کاریکاتورهای هولوکاست، هکرهای صهیونیستی به مقابله با آن پرداخته و پس از ناکامی به برگزاری نمایشگاهی مشابه، تحت عنوان «یهودی‌ستیزی» اقدام کردند و... باقی ماجرا را در گزارش حاضر می‌خوانید:

(مجله داشت می‌رفت برای چاپ که آقای کوفی عنان هم به فهرست علاقمندان این نمایشگاه اضافه شد. دبیر کل سازمان ملل در دیدار وزیر خارجه ایران از برگزاری نمایشگاه هولوکاست ابراز تأسف فرمودند. بدون شرح!)

وقتی آن کاریکاتورهای توهین‌آمیز دانمارکی برای چندمین بار در روزنامه‌های اروپایی منتشر شد تقریباً همه به این نتیجه رسیده بودند که دستهایی در کار است که نهایت استفاده را از این تقدس‌شکنی ببرند. حالا این دستها از کدام آستین بیرون آمده مهم نبود؛ آنچه مهم بود این بود که این دستهای فتنه‌گر به چه کسی تعلق دارد، همه شواهد نشان می‌داد که هر احتمالی جز صهیونیست‌ها منتفی است. نوع حرکت، جهت‌گیری آن، دشمنی دیرینه آنها با اسلام و از همه مهمتر اینکه هیچ کس در این میان، جز این جماعت، از این آب گل‌آلود ماهی نمی‌گرفت و همه چیز دلالت بر حضور پررنگ شبکه‌های صهیونیستی در رهبری این جریان داشت.

هرچند کاریکاتورها بسیار ضعیف بود و یا بهتر است بگوییم اصلاً کاریکاتور نبودند و فقط می‌توان نامشان را هم‌جوبه‌های عصبی تصویری





جهان بفرستیم. حدود ساعت ۹ شب بود که رایزنی‌ها شروع شد. عده‌ای از بچه‌ها آستین بالا زدند تا این حمله را سد کنند. برنامه این طور شد که اعلام کنیم به ازای هر سایتی که از ما حک کنند سه سایت را به برگزار کنندگان مسابقه اضافه کنیم.

بالاخره سه سایت اول مشخص شدند. عدالتخانه، شریف نیوز و سایت تخصصی سیاست خارجی. خبر به سرعت منتشر شد. خبرگزاری‌های خارجی و سایت‌های صهیونیستی این خبر، نام و لینک سایت‌ها را در صدر خبرهایشان قرار دادند. بحمدالله پرونده حک سایت ایران کارتون تقریباً بسته شد و این مبارزه اینترنتی نتیجه داد.

بیست و پنج یا پنجاه؟

چند روزی از اعلام مسابقه گذشته بود که اسرائیلی‌ها هم دست به کار شدند و رسماً اعلام کردند می‌خواهیم در مقابل مسابقه کاریکاتور هولوکاست، مسابقه کاریکاتور یهودستیزی را برگزار کنیم. ما اعلام کرده بودیم در مجموع بیست و پنج هزار دلار جایزه پرداخت خواهیم کرد، اسرائیلی‌ها بلافاصله اعلام کرده بودند ما ۵۰ هزار دلار جایزه می‌دهیم هنوز هم که هنوز است قرار است مسابقه برگزار شده و جایزه بدهند! معمولاً برنامه ما این بود که برای مسابقه‌ها اولین اثری که می‌رسید را بر روی سایت کار می‌کردیم و بعد به مرور زمان به این آثار اضافه می‌کردیم.

اولین اثر که بدست ما رسید کاری از یک کاریکاتوریست استرالیایی بود. یک کارتون دو فریمی از آقای میشل لوئینگ. این اثر را به عنوان اولین اثر رسیده بر روی سایت کار کردیم. انصافاً هم کار خوبی بود، اما اتفاقی که افتاد این بود که بلافاصله این آقای لوئینگ را در استرالیا تحت فشار گذاشته بودند که مجبور شده بود به دروغ متوسل شود و از اساس این کاریکاتور را رد کرده بود. بعد از این جریان، ایمیلی برای ما فرستاد و وضعیتش را تشریح کرد و بعد هم درخواست کرد که این کاریکاتور را از روی سایت بردارید.

هرچقدر کار پیش می‌رفت فشارها هم افزایش می‌یافت اما آنهایی که فشار می‌آوردند نتوانستند نتیجه‌ای را که می‌خواستند بگیرند. درکل، حدود چند نفری انگشت شمار مجبور شدند تا کترشان را پس بگیرند. در این میان، یکی دو نفر از کارتونیست‌های ایرانی هم به دلایل مختلف منصرف شدند که یکی‌شان خانم کاریکاتوریستی بود که آناش در یکی از روزنامه‌های صبح منتشر می‌شود. ایشان بعد از مدتی منصرف شد و از ما خواست کار را از روی سایت برداریم اما به هرحال کمی دیر شده بود و سایت‌های خبری این اثر را استفاده کرده بودند.

من فقط از خدا می‌ترسم

درست زمانی که احساس می‌کنی خیلی تنها هستی از جایی برایت کمک می‌رسد که فکرش را هم نمی‌کنی! این واقعیت است؛ اما واقعیت دردناک در این مسابقه، امتناع کاریکاتوریست‌های حرفه‌ای ایرانی و شانه خالی کردن آنها به بهانه‌های مختلف از شرکت در آن بود و فقط عده کمی از بچه‌های متعهد کارتونیست آثار خود را فرستادند. اما این واقعیت تلخ در کنار آن واقعیت شیرین می‌نشیند که کلامی جز یاری خدا در توصیفش نمی‌توانم بیاورم.

به او گفتیم شما ۷۵، ۷۶ سال از ستانان می‌گذرد. من نگران این هستم که همین رفت و آمد پلیس و فشارهای این گونه برایتان مشکل ایجاد کند.

در نامه‌اش نوشته بود دیگر این حرف‌ها از من گذشته، من عمرم را کرده‌ام. گفته بود رفتن اسرائیل اتفاقی است که باید دیر یا زود بیفتد. پل در همان نامه‌اش در ادامه نوشته بود که نگرانش نباشیم و از تهدیدات نمی‌ترسد. لوئیس گفته بود: "من فقط از خدا می‌ترسم!"

جنگ جهانی دوم نداشته‌اند بدهند؟
۲- تکلیف هولوکاست‌های واقعی - عراق، افغانستان، فلسطین، لبنان و... - چه خواهد شد؟

مقدس‌تر از پیامبر بنی اسرائیل

موضوع مسابقه کاریکاتور هولوکاست که مطرح شد انگار که بمبی در رسانه‌های بین‌المللی منفجر شده باشد. آغاز کار کنفرانس خبری بود. مذاکرات به اینجا انجامید که حمایت‌کننده اصلی مسابقه، روزنامه همشهری به سردبیری آقای زائری باشد. پس از توافقات لازم قرار بر این شد تا پس از تبلیغات لازم، با یک کنفرانس خبری کار را رسمی کنیم. سالن کنفرانس خبری پر از خبرنگاران داخلی و خارجی شده بود و خبرنگاران خارجی از همه مصممتر بودند. اکثر سوالات حول این مسئله می‌گذشت که چرا هولوکاست؟ و پاسخ می‌شنیدند این در گام اول پاسخی است به آنچه دانمارکی‌ها، انگلیس‌ها و فرانسوی‌ها به نام آزادی بیان انجام داده‌اند. زائری هم اضافه می‌کرد می‌خواهیم ببینیم مرز آزادی بیان شما کجاست؟ آیا هولوکاست را هم شامل می‌شود؟ آیا طاقت شک و ابراز نظر در مورد هولوکاست را هم دارید؟ و در ادامه، سوالات مسابقه مطرح می‌شد.

در میان خبرنگاران خارجی، یکی از آنها نظرم را جلب کرد. خبرنگار بی بی سی بود. به نظر ژاپنی‌الاصل می‌آمد. اما آنچه او را در خاطرم نگه داشت حرف عجیبی بود که از او شنیدم.

- "آقای شجاعی! چرا کاریکاتور هولوکاست؟! اگر به پیامبرتان توهین شده، شما هم به پیامبران بگویید! چرا هولوکاست را زیر سوال می‌برید؟"

بیچاره نمی‌دانست که احترام همه پیامبران الهی برای ما محفوظ است و استثناً هم بر نمی‌دارد، اما جالب بود که تا چه حد نسبت به هولوکاست حساسیت دارند. وقتی این را به او متذکر شدم گفت: "به هرحال فکر نمی‌کنم مشکلی برایتان پیش بیاید و کسی مخالفت کند." گفتم آیند نشان خواهد داد و نشان داد.

مبارزه اینترنتی

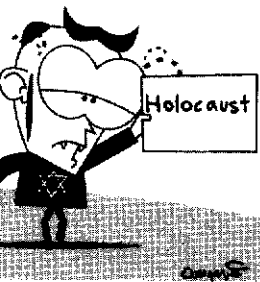
هنوز چند ساعتی از کنفرانس خبری نگذشته بود که دامنه فارسی سایت ایران کارتون (www.irancartoon.ir) با تهدید قبلی بوسیله هکرهای صهیونیست هک شد. پیش بینی ما این بود که قدم اول هک کردن سایت فارسی است و قدم بعدی مسدود کردن دومین ایران کارتون است و این یعنی قطع ارتباط کامل با جهان و منتفی شدن مسابقه. هرچند برای بدترین شرایط هم آماده شده بودیم که اگر ارتباط اینترنتی قطع شد بروشورهای مسابقه را از طریق پست برای کاریکاتوریست‌های

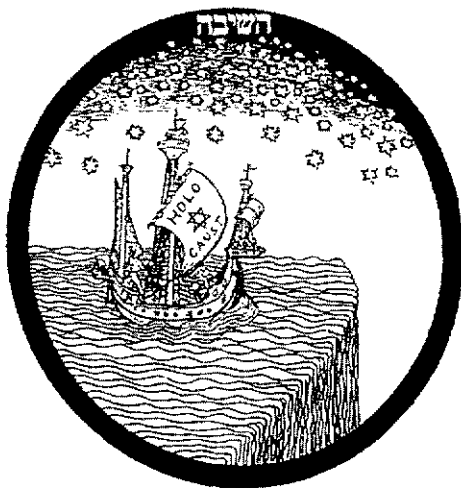


Why you are killing them?



OK go a head!





کاریکاتورست خط‌شکن برزیلی

یادم هست اولین کاریکاتوروری که برایمان فرستاد از اینکه با یک کاریکاتورست قوی، خوش ذوق و متعهد عرب آشنا شدیم خوشحالیم. اسمش "لتوف" بود. نامه‌ای برایش نوشتیم و گفتیم: آقای لتوف! از اینکه با یک کاریکاتورست عرب مسلمان آشنا شدیم بسیار خوشحالیم. پاسخش که آمد گل از گل‌مان شکفت! نوشته بود نه مسلمانم و نه عرب؛ اما عاشق مردم فلسطین و آرمانشان هستم و الحق که بود. امکان نداشت مسابقه‌ای با موضوع فلسطین داشته باشیم و "کارلوس لتوف" نباشد. در مسابقه هولوکاست هم کارش جزء اولین کارها بود برای همین به او لقب خط‌شکن را دادیم اما خط‌شکنی لتوف تنها در پیش قدمی‌اش نبود.

بعد از اینکه کاریکاتور لتوف را روی سایت گذاشتیم تماس گرفت و خیر داد که "فلانی! تیر یک بسیاری از روزنامه‌های برزیل شده‌ام و حسابی دارند فشار می‌آورند. نگران شدیم. اما لتوف گفته بود فشارها مهم نیست. خیانتان راحت باشد، من به کارم اعتقاد دارم.

در نامه‌اش نوشته بود جایزه مسابقه‌تان برایم مهم نیست فقط برای من یک جفیه فلسطینی بفرستید. عکسش هنوز هم با جفیه فلسطینی روی سایت هست.

وقتی کارلوس لتوف را تیرتیر یک روزنامه‌ها کرده بودند دیگر کاریکاتورست‌های حرفه‌ای برزیلی به پرس‌وجو آمده بودند که قضیه از چه قرار است، شاید دلیل اصلی خط‌شکن بودن لتوف همین بود. چون بعد از این جریان بیست کاریکاتورست دیگر برزیلی نیز در مسابقه شرکت کردند؛ تقریباً تمام کاریکاتورست‌های مطرح برزیلی! بیشترین آثار رسیده برای مسابقه کاریکاتور هولوکاست از آفریقای جنوبی بود و البته برزیلی‌ها در میان آنها نقش عمده‌ای داشتند.

یکی دیگر از کاریکاتورست‌های آمریکای جنوبی هم برای ما کاریکاتور فرستاد: یک آرژانتینی به نام "کریستوبال رینوزو". این آقای رینوزو را در آرژانتین همه می‌شناسند. او ابتدا در مورد موضوع تردید داشت و این تردید کار را به جایی کشاند که مدت‌ها با هم راجع به هولوکاست صحبت می‌کردیم. من هم هر آنچه می‌دانستم و مطالبی را که در این مورد داشتم در اختیارش گذاشتم. اما بالاخره کار را سه سوال مسابقه تمام کرد و کریستوبال رینوزو به طور کامل متقاعد شد. می‌گفت اگر جهان آزاد است باید بگذارند در این مورد هم بحث و بررسی شود. و رینوزو هم به جمع شرکت‌کنندگان اضافه شد.

اوضاع در اروپا و آمریکا البته بدتر بود. رنه بوشه، کاریکاتورست معروف فرانسوی است. اثرش که بدستمان رسید با اسم مستعار "رنه ب" "آن را روی سایت گذاشتیم. ولی بوشه و آثارش آنقدر شهرت داشتند که از روی سبک کارش او را بشناسند و شناخته بودند.

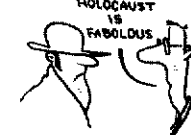
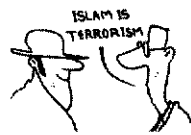
بوشه بعد از اینکه سه بار به اداره پلیس احضار شده بود با ما تماس گرفت و گفت: "فلانی! اصلاً به خاطر این فشارها تماس نگرفتم اما یک چیز جالبی پیش آمده که می‌خواستم برایتان تعریف کنم. گفته بود با اینکه مرا احضار کرده بودند اما رفتار پلیس‌ها با من بسیار محترمانه بود و می‌گفتند به خاطر شجاعتت به تو احترام می‌گذاریم.

از بوشه پرسیده بودند چرا در مسابقه شرکت کردی؟ و او گفته بود: "همان سه سوال مسابقه."

"دیوید بالدینگر" آمریکایی هم وضعیتش دست کمی از بوشه نداشت. خبرنگار بی بی سی به او گفته بود که تو طرفدار نازی‌ها و ایرانی‌ها هستی. بالدینگر می‌گفت خیلی عصبی شدم، گفتم من طرفدار آزادی بیانم. اگر نمایشگاه ایرانی‌ها دنبال حقیقت است من افتخار می‌کنم در آن شرکت کردم.

روز افتتاح، روز شهادت است!

در مدتی که کار را شروع کرده بودیم همه گونه تهدید برایم می‌رسید. از



ایران، اسرائیل، حتی از یونان برایم نوشته بودند که روز افتتاح نمایشگاه روز شهادت خواهد بود. می‌گفتند خانه کاریکاتور را منفجر می‌کنیم و خیلی تهدیدهای دیگر. داستان یونان هم از این قرار بود که بعد از اعلام برگزاری مسابقه، از یونان دعوت شدم برای مشاوره. می‌خواستند یک مسابقه بزرگ کاریکاتور برگزار کنند، یک سری پیشنهاد به آنها دادم و برگشتم. یکی از آنها ایجاد یک سایت بود. به ایران که رسیدم سایت را راه اندازی کرده بودند و اتفاقاً اسم مرا هم به عنوان مشاور در آن آورده بودند. ایمیلی با پسوند GR که مخصوص یونان است برایم رسید. تهدید کرده بودند که اگر برگردی یونان چنین و چنان می‌کنیم. گفتم استقبال می‌کنم. هر چند صهیونیست‌ها ترسوتر از این حرف‌ها هستند.

نمایشگاه کاریکاتور هولوکاست در سفارت اسرائیل بالاخره با همه فرازونشیب‌های این چند ماه، آثار به دوری رسید. ۱۱۹۳ اثر در مسابقه شرکت داده شدند که از این میان بیش از ۷۰۰ کار حرفه‌ای خوب را انتخاب کردیم تا در نمایشگاهی در معرض دید بگذاریم. برنامه هم این بود که ابتدا آثار را به نمایش بگذاریم و پس از آن، همه ۷۰۰ اثر را روی سایت در اختیار علاقمندان بگذاریم.

هر جا که می‌رفتیم سالن‌ها پر بود. کانسپچوال آرت و نقاشی‌های مدرن جایی برای کاریکاتورهای هولوکاست باقی نگذاشته بودند. دوست داشتم محل نمایشگاه، موزه هنرهای معاصر باشد. این را به دکتر مصطفی گودرزی گفتم. صحبت‌هایی با او و خانم پلنگی داشتم و حرف‌هایی زده بودم از اینکه نگران به ثمر نرسیدن کار در قدم پایانی هستم.

گفتند چه جایی بهتر از موزه هنرهای فلسطین؟ آقای میرحسین موسوی هم استقبال می‌کند. مکانش در خیابان فلسطین بود و هنوز هم افتتاحش نکرده بودند. رفتیم و آنجا را دیدیم، محلی بسیار عالی برای چنین نمایشگاهی بود. انگار از اول هم تقدیر بر برگزاری نمایشگاه در چنین محلی رقم خورده بود.

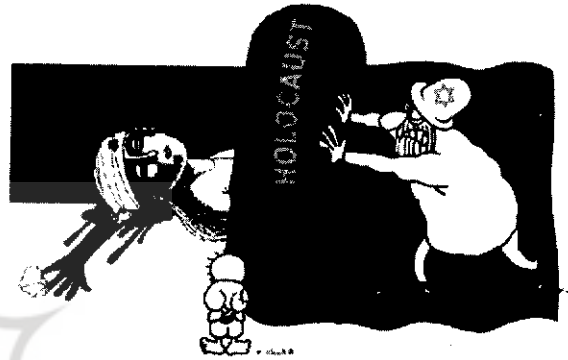
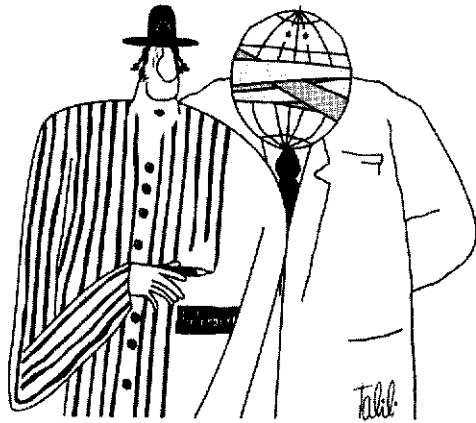
نمایشگاه کاریکاتور هولوکاست بالاخره در موزه هنرهای فلسطین _ که جایی نبود جز محل سفارت اسرائیل در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی _ برگزار شد.

اگر جای شما بودم خانم خبرنگار

دوباره دیده بودمش! همان خبرنگار بی بی سی را می‌گویم. داشت کاریکاتورها را ورنه اندازه می‌کرد. جلو رفتم، سلام کرد. گفتم یادتان هست آن روز در کنفرانس خبری که شما چه گفتم و شما چه گفتید؟ طوری نگاه کرد که انگار خودش هم فراموش کرده است. وقتی برایش گفتم آن کاری که شما بلاشکال می‌دانستید و می‌گفتید که برایتان مشکلی پیش نمی‌آید با چه مشقتی پیش رفت خندید و گفت تعجب می‌کنم چه خوب یادتان است! گفتم آدم بعضی حرف‌ها را یادش نمی‌رود.

پرسیدم شما زاپنی هستید؟ گفت مادرم بله و پدرم انگلیسی است. گفتم من هم تعجب می‌کنم. پرسید از چه؟ - از اینکه هیروشیما و موزه‌اش





است، پس امروز در نمایشگاه می‌بینمت. گفت: "نه! امروز نه. اول می‌روم مشهد پاپوس امام رضا(ع)!"
 انگار یک چیزی در درون این آدمها هست. نه فقط در حامدالغائب شیعه بحرینی که در لتوف، پل، بالدینگر، بوشه و صدها کاریکاتوریست و بیش از ۲۰۰۰ آدمی که در این چند ماه با مرتبط شدند و هنوز هم هستند و اتفاقاً هیچ کدامشان هم کاریکاتوریست نیستند. حس عجیبی است در میان مردم دنیا که ظالم و مظلوم را می‌شناسند و هر زمان که بشود آستین بالا می‌زنند حتی اگر همه رسانه‌های غربی نخواهند... و لوکره الکافرون!

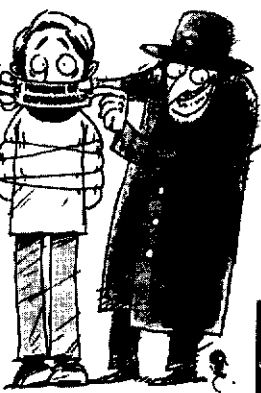
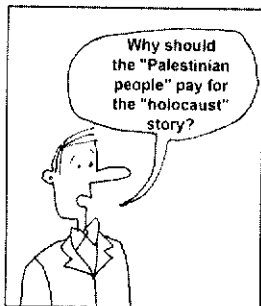
را ببینید و آن وقت در یک رسانه‌ای مثل بی بی سی که شریک جنایت آمریکایی‌هاست فعالیت کنید. سر تکان داد و تایید کرد. کمی بعد از این ملاقات گزارشش را بر روی بی بی سی خواندم. انگار یک آمریکایی نوشته باشدش. اما نویسنده خودش بود، همان خانم ژاپنی‌الاصل!

مصاحبه جعلی

خیلی‌ها مطلب نوشتند. سیصدوپنجاه مقاله در همین چند هفته! یکی مقایسه‌ای کرده بود میان نقاشی ۵ کیلومتری بچه‌ها برای پیامبر اکرم(ص) و نمایشگاه هولوکاست و تناقض پیدا کرده بود میان پیام صلح این نقاشی با خشونت نمایشگاه هولوکاست!
 دیگری خبرنگار گاردین بود. "رابرت تیت" که هر چه اصرار کرد با او مصاحبه نکردم. آخر سر هم مصاحبهای را از خودش سرهم کرد و با حرف‌هایی که من جاهای مختلف گفته بودم یک مسابقه جعلی ساخت و منتشر کرد، البته وزارت ارشاد هم سخنی نگفت و اعتراضی نکرد هرچند به آنها هم خبر دادیم.
 با بیست خبرنگار خارجی تک به تک صحبت کردم اما انگار که متن خبرها، گزارش‌ها و مقالاتشان از قبل نوشته شده باشد. انگار که هیچ حرفی نشنیده باشند.
 به هر حال این کار هم بستر خودش را پیدا کرد. ۶/۵ میلیون بازدیدکننده در این ماه تا به امروز [روز مصاحبه] به طوری که عکس‌هایی که از نمایشگاه بر روی سایت قرار گرفته‌اند اگرچه یکی دو روز از انتشارشان نمی‌گذرد اما بیش از ۶۰۰۰ بار بر رویشان کلیک شده است.

اول پاپوس امام رضا(ع)

تماس گرفت، گفت ایران هستم. با خرج خودش آمده بود. حامدالغائب، کاریکاتوریست بحرینی که در مسابقه شرکت کرده بود؛ گفتم خوب



IranCartoon.ir